گزارش

درباره کتاب «نبرد من» هیتلر و اما و اگرهای انتشار آن

درس آموزی از مهیب ترین چهره شر، برای پرهیز از شر

رادمنش | ۹۹ سال پیش، جلد اول کتابِ یکی از شرورترین انسان های تاریخ منتشر شد: «نبرد من»، نوشته آدولف هیتلر. او نوشتن این کتاب را در زندان آغاز کرد، وقتی پس از کودتای نافرجام و به جرم خیانت محکوم به گذراندن پنج سال حبس شد. «نبرد من»، که جلد دوم آن سال ۱۹۲۷، حدود دو سال پس از انتشار جلد نخست، منتشر شد، پس از به قدرت رسیدن هیتلر به کتاب مقدس نازی ها تبدیل شد. وب سایت History.com در مطلبی در این باره نوشته است که محبوبیت این کتاب به قدری زیاد شد که دادن یک نسخه از آن به زوج تازه ازدواج کرده به یک آیین تبدیل شد. بنا به آماری، در سال ۱۹۴۳، ۱۰ میلیون نسخه از این کتاب به فروش رفت.

این کتاب مانیفست سیاسی هیتلر است و سرشار از ایدئولوژی های نژادپرستانه و برتری طلبانه. کینه نویسنده بیش از همه متوجه یهودیان و کمونیست هاست؛ او البته میل به انتقام گرفتن از فرانسوی ها و کشورگشایی به سوی شرق را هم پنهان نکرده است. میلتون فریدمن این کتاب را دربردارنده «طرح های بسیار دقیق و حساب شده هیتلر برای رسیدن به قدرت و تلاش های وی برای اعدام های جمعی» می داند.

اما چرا این کتاب در زمان خودش آن قدر محبوب شد؟ این کتاب را از سویی در عوام فریبی بسیار قدرتمند دانسته اند و از سوی دیگر در جذب تمام عناصر ناراضی آن روزهای آلمان، اعم از ملی گرایان افراطی، یهودستیزان، آن هایی که با نظامی دموکراتیک دشمنی داشتند، ضدمارکسیست ها و نظامیان غرورباخته، بسیار موفق. اما فروش «نبرد من»، پس از شکست آلمان در جنگ جهانی دوم و خودکشی هیتلر، یعنی از سال ۱۹۴۵، در این کشور ممنوع اعلام و حق چاپ آن به ایالت بایرن واگذار شد. با این همه، این کتاب همچنان کتابی است بلاتکلیف: انتشار آن در برخی کشورهای دنیا، هنوز که هنوز است، ممنوع است، ولی در برخی کشورها منعی ندارد. در خود آلمان، چاپ و فروش «نبرد من» هفتاد سال ممنوع بود، تا اینکه مطابق قوانین نشر در آلمان، در سال ۲۰۱۶، حق چاپ کتاب منقضی شد و کتاب به مالکیت عموم درآمد.

مؤسسه تاریخ معاصر آلمان، در سال ۲۰۱۶، این کتاب را با یادداشت ها و حاشیه نویسی های فراوان در ۲۰۰۰ صفحه منتشر کرد. آندره اس. ورشینگ، مدیر این مؤسسه، در گفت وگو با «دویچه وله» درباره ضرورت انتشار این ویرایش جدید گفت: «هدف اصلی از این یادداشت ها و شاید مهم ترین کاربرد آن ها پرده برداری از گفتمان عوام فریبانه هیتلر بوده تا سخنان کذب، دروغ ها و پنهان کاری های او آشکار شود.» «نبرد من» هیتلر از چند جنبه می تواند مطالعه شود: جنبه تاریخی، ریشه های فکری هیتلر و نازیسم، و همچون الگویی برای افراطی گری که خطرناک ترین وجه آن است. یکی از نگرانی های مرتبط با انتشار این اثر، محبوبیت هیتلر در میان گروه های برتری طلب، نئونازی و افراطی است. برتری طلبان و تندروها، فارغ از هر تفاوت و هر میزان دوری از شخصی مانند هیتلر، در او جنبه هایی آشنا هم می توانند پیدا کنند. ستیز با قومی خاص، برتری طلبی، نژادپرستی و چیزهایی از این دست، که پیشوای آلمان بی پرده پوشی از آن ها می گفت، همین امروز هم طرفدارانی در اقصی نقاط عالم دارد.

اَلِک رایری، استاد تاریخ مسیحیت در دانشگاه دورام، می گوید: «هیتلر و نازی ها نقش اجتناب ناپذیری در فرهنگ ما دارند: آن ها به ما می آموزند که شر چیست. [...] اکنون، مقتدرترین چهره اخلاقی ما آدولف هیتلر است که برایمان معرِّف شر است، همان طور که زمانی مسیح معرِّف خیر بود. اگر بخواهید این را زیر سؤال ببرید، خود را رسوای عالم می کنید.»[1]

اما آیا باید این کتاب ممنوع شود؟ این پرسش دو پاسخ قاطع دارد: آری، خیر. موافقان ممنوعیت آن انتشارش را سبب ترویج افکاری نازیستی می دانند و بی احترامی به یاد و خاطره قربانیان و بازماندگان جنایت های نازی ها. اما بدیهی است که ممنوع و محدودکردن هر چیز همراه می شود با عطش بیشتر نسبت به آن. و همچنین می دانیم که در عصر حاضر دیگر چنین ممنوعیت هایی مضحک اند.

پس می توانیم، مانند مدیر مؤسسه تاریخ معاصر آلمان، امیدوار باشیم که خواننده با مطالعه «نبرد من» دوران نازیسم را بیشتر بشناسد تا به فهمی برسد از آنچه زمینه ساز آن فجایع شد، یا امیدوار باشیم که با تعمق در آن این درک گسترش بیشتری پیدا کند که ایمان به یک مرد قوی، که قرار است نقش ناجی را بازی کند، و واگذاری همه اختیارها به او، کیش شخصیت یا شخصیت پرستی، دشمن سازی از برخی گروه ها یا کشورها (همان طور که هیتلر می خواست نسل یهودیان را براندازد و پوزه فرانسه را به خاک بمالد و انتقام جنگ جهانی اول را بگیرد)، و هر نوع برتری طلبی (اعم از دینی، ملی، نژادی، قومی و گروهی) عواقب وحشتناکی به همراه خواهد داشت.

[1] «چرا نازی ها و هیتلر همچنان این قدر محبوب اند؟»، ترجمه علی امیری، وب سایت «ترجمان».

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗

روایتی از حضور عزاداران حسینی در هیئت مذهبی روضة الشهداء در میدان فلسطین مشهد

ویراسته ✓

روایتی از حضور عزاداران حسینی در هیئت مذهبی روضة الشهداء در میدان فلسطین مشهد

نکته

در نگارش فارسی، همزه بعد از الف ممدوده (اء)، مثلا در «املاء» و «انشاء» و «سیدالشهداء»، حذف می شود؛ در هنگام اضافه شدن هم بهتر است به «ی» تبدیل شود.

#زین_قند_پارسی

مدخل

ما گناهکاران، در راز و نیازهای خویش با خداوند، بیشتر به کلماتی نیاز داریم که آرزومندی ما را با زبانی مؤثر و آتشین بیان کند. [...] شرح این آرزومندی چه بهتر از زبان پاک و آتشناک انسانی تقریر شود که خود برگزیده خداست و از ژرفای دل با خدا آشناست و در راز و نیاز با خداوند دارای زبانی آتشین و گویاست. [...] و سخنان و نیایش های درخشان و آتش انگیز حضرت امام ابومحمد علی بن الحسین، سجاد، ذوالثِّفِنات، زین العابدین و سیدالساجدین، در «صحیفه سجادیه» از این گونه است. «صحیفه» را «اخت القرآن»، «زبور آل محمد» و «انجیل اهل بیت» نامیده اند، و در شیوایی و استواری سخن، پس از قرآن و نهج البلاغه، سومین اثر مدون و برجسته اسلامی است که از دورترین روزگاران مورد توجه اهل ادب، و به جهت دربرداشتن کلمات شورانگیز و شیواترین راز و نیازهای بشری به درگاه ایزدی، مورد توجه همه دلباختگان به معنویات بوده است. نخستین راز تأثیر شگرف نیایش های «صحیفه» صداقت آن امام همام ـ علیه السلام ـ در دوستداری خداوند است. کسی که به راستی خداوند را دوست دارد بی تغافل او را می پرستد و بدون ذره ای انحراف از دستورهای خداوند اطاعت می کند. کدام یک از ما چنینیم؟

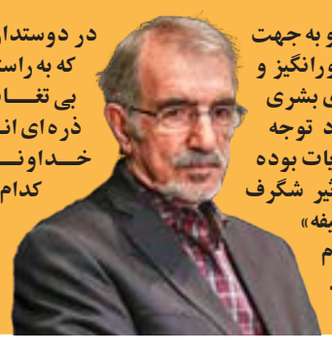

علی موسوی گرمارودی، مقدمه «ترجمه صحیفه سجادیه»

نگاهی به ترجمه ای کهن از «صحیفه سجادیه»

«سپاس آن خدایی را که اول است ...»

شریف شیرزاد

بازخوانی

ایرانیان، از همان آغاز ورود اسلام، به فکر فارسی سازی میراث دین تازه ـ از همه مهم تر، قرآن ـ افتادند و در این راه کوشیدند. خوشبختانه، تلاش های آن ها پس از چند سده نتیجه داد و تا پیش از آغاز قرن پنجم هجری ترجمه ها و تفسیرهایی فارسی از کتاب مقدس حاصل شد که همه کمابیش آن ها را می شناسند. پس از این، قاعدتا نوبت احادیث بود، به ویژه احادیث پیامبر(ص) که پس از قرآن مهم ترین منبع مسلمانان برای درک و دریافت پیام اسلام بود. نمونه این کارها «ترک الاطناب فی شرح الشهاب» (سده ۵) و «شرح فارسی شهاب الاخبار» (سده ۷) هستند که سخنانی از پیامبر را شامل می شوند.

فارسی زبانان، به ویژه اهل تشیع، سپس سراغ میراث امامان شیعه رفتند که مهم ترین آن ها تألیف گرانمایه شریف رضی، «نهج البلاغه»، است. از این کتاب، ترجمه هایی کهن در دست است که از آن میان برگردانی از سده های پنجم و ششم ارزشمندتر است. (این ترجمه، متأسفانه، اثری از مترجم بر خود ندارد.) احتمالا، همه در این قول اتفاق دارند که پس از قرآن و احادیث پیامبر و «نهج البلاغه»، در بین مأثورات مدون ائمه، متنی مهم تر از «صحیفه سجادیه» نیست. از منظر تاریخی هم که بنگریم، این مجموعه از نیایش های حضرت زین العابدین(ع) در مرتبه چهارم متون درجه اول جهان اسلام قرار می گیرد. خوشبختانه، از «صحیفه» هم برگردان فارسی کهنی در دست داریم.

•

این برگردان را ـ که نظیر ترجمه کهن «نهج البلاغه» اثری از مترجم بر خود ندارد ـ در آغاز نسخه چنین شناسانده اند: «دعاهای کامله از مولانا زین العابدین علی، پسر حسین، پسر علی، پسر ابی طالب ـ سلام خدا بر او باد ـ و این دعاها را 'زبور آل رسول' می خوانند.» نسخه موجود از این ترجمه را شخصی به نام عبدالرحیم الخلوتی ابن شمس التبریزی المشرقی در سال ۷۹۱ هجری قمری کتابت کرده است. این فرد، که مذهب شیعی داشته است، خوشنویس و شاعری توانا بوده که آثار دیگری هم از خود برجای گذاشته است؛ از آن جمله است شرحی بر «گلشن راز»، سروده محمود شبستری.

اما این ترجمه «صحیفه سجادیه»، جز ارزش دینی و اعتقادی، اهمیت زبانی هم دارد: مترجم این کتاب، که گویا اهل مازندران بوده است، با آنکه روش ترجمه تحت اللفظی را در پیش گرفته و نثری پردست انداز وگاه نامفهوم عرضه داشته است که رنگی از لهجه هم دارد، در برگردان خود، برابرنهادهایی هم ذکر کرده یا پیشنهاد داده است که شماری از آن ها امروز هم پذیرفتنی و حتی دلچسب اند؛ از این قبیل اند «آویختگی ها» در برابر «علائق»، «انگیزش» در برابر «مبعث»، «برداشتگی» در برابر «علو»، «جوجک» در برابر «صغیر»، «رستگان» در برابر «فائزین»، «شناس کاری» در برابر «معرفة»، «کم سایه ای» در برابر «خسیسة».

•

نمونه ای از این برگردان را بخوانید: «و از دعای او ـ بر او باد سلام ـ چون ابتدا خواستی کردن به دعا، ابتدا به ستایش خدای ـ عز و جل ـ بکردی و ثنا بر او ـ پاک است و منزه او ـ پس گفتی: 'سپاس آن خدایی را که اول است، بی اولی که بود یا باشد پیش از او، و آخر است، بی آخری که باشد پس از او، آنک کوتاه شد از دیدنش چشم های نگرندگان و عاجز شد از صفتش وهم های وصف کنندگان. پدید آورد به توانایی خویش خلق را، پیداآوردنی، و پدید کردشان بر مشیّت خویش، پدیدکردنی.'»

اینک، ترجمه علی موسوی گرمارودی از همین بخش که با پیش چشم داشتن و مرور آن، کمابیش، می شود نوع و سطح ترجمه کهن را دریافت و درباره اش داوری کرد: «نیایش اوست ـ درود بر او ـ که چون به نیایش آغازید با سپاس و ستایش خداوند آغاز کرد؛ سپس فرمود: 'سپاس خداوند را، آن نخستین که پیش از او نخستینی نه، و آن پایانی که پس از او پایانی نیست، آن که دیده دیده وران به دیدار او نارسا و خیال ستایندگان از ستودن وی ناتواناست. آفریدگان را با توانایی خویش، شایسته، نوآوری کرد و آنان را به خواست خود، بایسته، پدید آورد.'»

بخشی از «صحیفه سجادیه» به قلم احمد نیریزی (سده دوازدهم)

میراث خراسان

لاله سرخ شهادت تن تب دار من است
چشمه فیض خدا چشم گهربار من است
حافظ خون پیام شهدای ره دین
لب گویای من و دیده خون بار من است
داغ یک دشت شهید و غم یک دشت اسیر
این همه بار گران بر تن بیمار من است
پای در سلسله و دست به دامان وصال
دشمن از بی خردی در پی آزار من است
دشمنم بسته به زنجیر ولی غافل از آن
که برانداختن ریشه او کار من است
تا براندازی بنیاد ستم می جنگم
اشک من منطق من حربه پیکار من است
پرچم نهضت خونین شهیدان خدا
گرچه بر دوش من و عمه افکار من است
صبر را بین که در این مرحله از وادی عشق
سخت بیمارم و او باز پرستار من است
آن که در کرب وبلا بود انیس پدرم
در ره شام بلا مونس و غم خوار من است
در کنار شهدا جان مرا بازخرید
عمه ام بعد خداوند نگهدار من است
خواهر کوچک من همچو گلی پر پر شد
اشک طفلان ز غمش شمع شب تار من است
از غم اصغر و اکبر جگرم می سوزد
آه از این غم که خداوند خبردار من است
در ره آل عبا عمر مؤید طی شد
شاهد زنده من دفتر اشعار من است

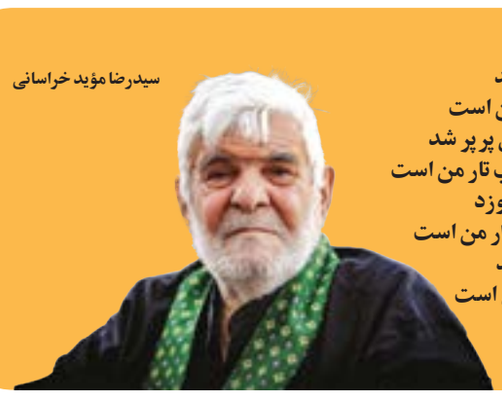

سیدرضا مؤید خراسانی

نگاهی به کتاب «ویراستار خرابکار»

چگونه با نویسنده تا کنیم که کارمان به کتک کاری نکشد؟!

علیرضا حیدری

مرور کتاب

همیشه این دغدغه وجود دارد که یک ویراستار چقدر می تواند در ویرایش درست، علمی و سنجیده یک متن سهیم باشد. همیشه این دغدغه برای نویسندگان و صاحبان اثر وجود دارد که آیا ویراستار مداخله گر است یا کار نویسنده را شسته رفته تر می کند تا متن سرراست تر به دست خواننده برسد. در روند چاپ یک اثر، سه ضلعِ نویسنده، ویراستار و خواننده را باید در نظر گرفت. در این میان، درواقع، هدف اصلی خواننده است و دستاورد کوشش نویسنده و ویراستار باید اثری درخور باشد که به دست مصرف کننده برسد. از این رو، اگر اثری به ویراستار داده شود، تعامل بین نویسنده و ویراستار بسیار مهم است. بدون این تعامل سازنده، ممکن است نویسنده همان نگاه مداخله گرانه را به ویراستار داشته باشد و از طرفی ویراستار کم تجربه، که فقط به صورت ربات گونه نکته های ویرایشی را آموخته است، نتواند ویرایشی موفق و اثرگذار را ارائه دهد. در حالت نخست، ممکن است نویسنده به ویراستار نگاه «ویراستار خرابکار» داشته باشد، در حالت دوم هم واقعا ممکن است با ویراستاری خرابکار روبه رو باشیم که در ویرایش اثر ناموفق بوده است.

«ویراستار خرابکار»، نوشته کرول فیشر سلر با ترجمه فاطمه ترابی، همین موضوع را واکاوی می کند. این کتاب در همان پیشانی اثر و روی جلد نوشته است: «چگونه با نویسندگان، همکاران و خودتان خوب تا کنید؟». نویسنده کتاب خود از ویراستاران انتشارات دانشگاه شیکاگوست. این دانشگاه شیوه نامه مشهوری دارد با عنوان «شیوه نامه شیکاگو» که نسخه ابتدایی آن در ۱۸۹۰ منتشر شد. سلر در این انتشارات مسئول پاسخ دهی به انبوه پرسش هایی است که در تارنمای این انتشارات بازتاب دارد و به قول خودش فقط فرصت می کند به برخی از آن ها پاسخ بدهد. نویسنده از همین فرصت به خوبی بهره گرفته است و این پرسش ها را مبنای نوشتن یازده فصل برای کتاب «ویراستار خرابکار» قرار داده است.

سلر در فصل دوم کتاب به سه رویکرد مهم در ویراستاری اشاره می کند که باید مبنای کار هر ویراستار باشد: دقت، شفافیت و انعطاف. نویسنده این سه اصل را این گونه توضیح می دهد: ۱. برای معرفی خودمان به نویسنده در اولین نامه یا رایانامه یا تماس تلفنی مان نشان دهیم که آدم دقیقی هستیم، ۲. بگوییم می خواهیم فرایند کار بینمان شفاف باشد و ۳. هیچ نشانه ای از ویراستار خشک و مقرراتی که نویسنده ها از آن هراس دارند بروز ندهیم. او با این منطق کتاب را سامان داده است.

نویسنده با انتخاب عنوانی جذاب ـ و البته به ضرر ویراستاران ـ اثری را آفریده است که خواننده، چه ویراستار باشد چه خواننده عادی، از دشواری کار ویرایش و کار پرزحمت و طاقت فرسایی که یک ویراستار در پیش دارد آگاه می شود. او به نوعی از ویراستار خوب و کارکشته دفاع می کند و پایان بندی اثر خود را هم در فصل یازده «پختگی ویراستارانه» نام نهاده است. پس از خواندن کتاب، به نظر می رسد که با کتابی روبه رو هستیم که ـ برخلاف عنوان ـ نوعی دفاعیه از ویراستار و ویراستاری است. برآیند اثر به ما می گوید که ویراستاری حرفه ای بسیار سخت و دشوار است و ویراستار باید بداند برای ویرایش یک اثر چقدر وقت بگذارد و چه راه هایی را باید طی کند. نویسنده، همچنین، از چگونگی تعامل با قلدرها می گوید و اختلاف نظرهای ویراستارانه و کارهای پیچیده و تکراری و البته به قول خودش از «وقتی گند می زنیم».

«ویراستار خرابکار: چگونه با نویسندگان، همکاران و خودتان خوب تا کنید؟»، نوشته کرول فیشر سلر، ترجمه فاطمه ترابی، نشر نی، ۱۸۳ صفحه، ۹۸ هزار تومان.